

مطالعه رابطه سبک‌های دلبستگی و هویت با کمرویی در دانش‌آموزان

پسر (مقطع متوسطه اول ناحیه ۲ ساری)

عماد روشن قیاس^۱، غلام یوسف پور^۲

سیده طیبه اندرواژ^۳، سلمان خلیلی^۴

چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی و سبک‌های هویت با کمرویی در دانش‌آموزان پسر مقطع متوسطه اول ناحیه ۲ ساری می‌باشد. جامعه آماری این پژوهش دانش‌آموزان پسر مقطع متوسطه که تعداد آنها ۴۴۰۱ نفر می‌باشد. با مراجعه به جدول کرجسی و مورگان و به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده ۳۵۱ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند و از آنها خواسته شد به سوالات پرسشنامه‌ها پاسخ دهند. برای گردآوری داده‌ها از دو روش میدانی (پرسشنامه‌هایی که مبتنی بر آخرین تغییرات و پیشرفت‌های آموزشی متناسب با عنوان تحقیق بوده است) و روش کتابخانه‌ای (پایان‌نامه‌ها، کتاب، سایت و مقاله‌های علمی) استفاده شده است. بدین منظور از سه پرسشنامه استاندارد: پرسشنامه دلبستگی کولینز و رید، پرسشنامه سبک هویت و کمرویی استنفورد استفاده شده است. در این تحقیق به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها روش پژوهش، توصیفی و استنباطی می‌باشد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد؛ بین سبک دلبستگی ایمن با کمرویی دانش‌آموزان رابطه معنادار و منفی وجود دارد. بین سبک‌های دلبستگی دوسوگرا، دلبستگی آشفته، هویت اطلاعاتی، هویت هنجاری و هویت سردرگمی یا اجتنابی با کمرویی دانش‌آموزان رابطه معنادار وجود دارد.

واژگان کلیدی: سبک‌های دلبستگی، سبک‌های هویت، کمرویی.

^۱ کارشناس ارشد برنامه ریزی آموزشی، مدرس دانشگاه فرهنگیان مازندران

^۲ کارشناس ارشد روانشناسی عمومی

^۳ کارشناس ارشد منابع طبیعی

^۴ کارشناس ارشد مدیریت آموزشی

مقدمه

در طول یک قرن گذشته بسیاری از روانشناسان اتفاق نظر دارند که انسان نیازمند به پایگاه هویت است. در ادبیات روانشناختی مطالب مفصلی درباره پایگاه و سبک‌های هویت وجود دارد و تا امروز تحقیقات و مطالعات زیادی درباره سبک‌های هویت و ارتباط آن با متغیرهای متعدد دیگر انجام گرفته است که بیشتر تحقیقات، این مطلب مهم و اساسی را تأیید می‌کنند که سبک‌های هویت بالا از عوامل مثبت و موثر در بهداشت روانی و سبک‌های هویت پایین از عوامل مستعد کننده ناراحتی‌های روانی می‌باشد. سبک‌های هویت عبارت است: از احساس ارزشمند بودن، این حس از مجموع افکار احساسات، عواطف و تجربیاتمان در طول زندگی ناشی می‌شود. همه افراد، صرف‌نظر از سن، جنسیت، زمینه فرهنگی، جهت و نوع کاری که در زندگی دارند، نیازمند سبک‌های هویت هستند. افرادی که احساس خوبی نسبت به خود دارند، معمولاً احساس خوبی نیز به زندگی دارند. آنها می‌توانند با اطمینان، با مشکلات مواجه شوند و از عهده آنها برآیند (نادری و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۲۳-۱۰۵).

هویت و هویت‌یابی هم مسئله‌ای تازه نیست و به درازای عمر بشر مطرح بوده و در هر برهه‌ای از زمان و در هر مکانی به دلیل انسان بودنمان این مرحله از زندگی را خواهیم گذراند حال در زمان‌های دور شاید نامی دیگر بر روی این مرحله از زندگی نامیده باشند. هویت چیزی نیست که یکبار برای همیشه به کسی داده شده باشد، بلکه در طول حیات ساخته می‌شود و تغییر می‌کند. آن دسته از عناصر هویت‌ها که همراه با تولد ما به جهان می‌آیند،

چندان زیاد نیستند. بعضی خصوصیات جسمانی، جنسیت، رنگ و موارد دیگر. وانگهی همه آنها ذاتی و مادرزادی نیستند (صادقی و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۱۶-۲۰۶). کمرویی نیز واژه‌ای است که می‌تواند با سبک دلبستگی در ارتباط باشد. چراکه برخی از ویژگی‌ها من‌الجمله رو برگرداندن از غریبه‌ها و چسبیدن به فرد آشنا بیشتر در کودکان کمرو مشاهده می‌شود. علاوه بر این از ویژگی‌های افراد کمرو این موارد را می‌توان نام برد: فرار کردن از جمع غریبه‌ها، خجالت کشیدن و به لکنت افتادن، با حداقل کلمات سخن گفتن، بیشتر عبوس بودن و کمتر لبخند زدن، عدم برقراری ارتباط بصری مستمر و طبیعی با دیگران، غرق در افکار خود شدن، خود توجهی بیش از حد و گاهی اوقات دقیقی از وقایع محیط غافل شدن، تمایل به سرو کار داشتن بیشتر با کتاب و اشیاء و لوازم مختلف به جای آدم‌ها، علاقه به بازی با کودکان آشنا و کوچکتر از خود، عدم برخورداری از یک رابطه دوستانه با آشنایان، با صدای آهسته و غیرطبیعی سخن گفتن و شخصیتی انفعالی داشتن، گرفته و نگران بودن، خام و بی‌لطف برخورد کردن در ارتباطات اجتماعی به خصوص با افراد غریبه، بی‌زاری از دعوت کردن و دعوت شدن و سرانجام تمایل به تنها بودن، بی‌زاری شدید از نگاه‌های نقادانه دیگران، فقر شدید در انگیزه‌ی فعالیت اجتماعی، ضعف اعتماد به نفس، عدم برخورداری از ابتکار عمل و ارائه خلاقیت‌های ذهنی، بی‌جرات و بی‌شهامت بودن در عین توانایی و قدرت (افروز، ۱۳۹۰: ۱۴۲). از آنجایی که مطابق با دیدگاه بالبی^۱ (۱۹۶۹) دلبستگی پیوند عاطفی نیرومندی است که هر

¹ Balbi



طول دوران رشد به تدریج پدیدار می‌شود و با دارو برطرف نمی‌شود. کمرویی اساساً رفتاری اکتسابی و آموخته شده است و برای درمان و برطرف کردن آن باید یادگیری صورت گیرد و رفتار تازه و مطلوب اجتماعی در فرد فراگیر شود. اگر در مورد رفتار غیراجتماعی این قبیل نوجوانان و جوانان چاره‌ای اندیشیده نشود دچار استرس‌های شدید شده و احتمالاً خطرناک‌ترین و عادی‌ترین وضع را برای ابتلا به بیماری‌های شدید روانی مانند اسکیزوفرنی و یا افسردگی خواهند داشت. کمرویی یک مشکل فردی بی سر و صدا است و چنان شایع گشته که می‌توان آن را یک بیماری اجتماعی نامید؛ زیرا موجب اضطراب اجتماعی، هراس اجتماعی، عدم اعتماد به نفس، نداشتن مهارت‌های اجتماعی و عدم سازگاری با جمع می‌شود (Zimbardo, 2001).

از جمله دلایل ضرورت انجام پژوهش این است که، بالبی (۱۹۸۰) فرایند شکل‌گیری دلبستگی (پیوند عاطفی) نوزاد به مادر را تشریح کرد و نشان داد که چگونه سامانه (سیستم) احساسات و رفتارهای دلبستگی ماهیت تصورات و تجربه‌های فرد را از پیوندهای عاطفی و روابط بین شخصی تعیین می‌کنند. پیرو پژوهش‌های بالبی (۱۹۸۷) سه سبک دلبستگی ایمن^۲، اجتنابی، دوسوگرا را تشخیص دادند. استمرار سبک دلبستگی در فرایند تحول، موضوع پژوهش‌های جدید در این زمینه بوده و نتایج به دست آمده این استمرار را تأیید می‌کنند (Blamer, 2007).

فرد در زندگی‌اش با افراد خاصی ایجاد می‌کند. لذا تجارب دلبستگی اولیه با مراقبان احساسات، افکار و رفتار را در روابط بعدی هدایت می‌کند. همانگونه که نظریه دلبستگی بالبی (۱۹۸۰) بیان می‌کند؛ روابط کودک با مراقبان مادر یا جانشین مادر در سال‌های اولیه زندگی منجر به تشکیل الگوهای روانی خاصی می‌شود که بنای بیشتر روابط بین فردی در بزرگسالی است (مشهدی و محمدی، ۱۳۸۸: ۱۴۰-۱۲۷). طبق نظر بالبی دلبستگی زمانی پیدا می‌شود که نوزاد رابطه گرم، صمیمی و مداوم با مادرش داشته باشد؛ رابطه‌ای که سبب رضایت و خشنودی هردو طرف شود (مومنی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۱۴-۱۰۳). از سوی دیگر باتوجه به اینکه هویت نیز بخش مهمی از وجود انسان است و زندگی شخصی و اجتماعی هر شخص تحت تأثیر هویتش است، بررسی هویت انسان‌ها بسیار قابل توجه است (ایمانی و کیدقان، ۱۳۹۱). مطابق با آنچه خواجه‌پور (۱۳۸۶) در بررسی خود بیان داشته منظور از هویت همان پنداره فرد از خود می‌باشد و از طریق آن، فرد به مفهوم یکپارچه-ای از خود دست پیدا می‌کند و برآن اساس در زندگی خود به قضاوت ارزشی می‌پردازد. برزونسکی^۱ (۱۹۹۲) با استفاده از نظریه کنترل هویت، الگویی ارائه کرده است که بر تفاوت‌های فردی در زمینه پردازش شناختی-اجتماعی نوجوانان در رویارویی یا اجتناب از سازماندهی یا باز سازماندهی مسائل مربوط به هویت تأکید می‌کند.

کمرویی نیز به عنوان متغیر و پدیده‌ای پیچیده و مرکب ذهنی، روانی و اجتماعی است که به دلایل بیشمار در

¹ Berzonski

² Secure

مطابق با آنچه بدان اشاره شد پژوهش حاضر تلاش دارد تا به بهره‌وران از نتایج پژوهش یعنی آموزش و پرورش، خانواده‌های دانش‌آموزان، مشاوران، متخصصان، جامعه پژوهشی و کلیه دست‌اندرکاران امر آموزش پیشنهادات ارزنده ارائه دهد. چرا که توجه به سه متغیر سبک دلبستگی، سبک هویت و کمرویی که می‌تواند در دوران بلوغ و کسب هویت و نیز اجتماعی‌شدن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار شود از ملزومات است. توجهی که در پژوهش‌های گذشته کمتر مدنظر گرفته شده است.

با توجه به مطالب ذکر شده محقق درصدد آن است که، آیا بین سبک‌های دلبستگی با سبک‌های هویت و کمرویی در دانش‌آموزان رابطه وجود دارد؟

اهداف پژوهش

اهداف کلی

تعیین رابطه سبک‌های دلبستگی و سبک‌های هویت با کمرویی در دانش‌آموزان؛ ارائه رهنمودها و پیشنهادات به دست‌اندرکاران و متخصصان.

اهداف جزئی

- ۱- تعیین رابطه سبک دلبستگی ایمن با کمرویی در دانش‌آموزان؛
- ۲- تعیین رابطه سبک دلبستگی دوسوگرا با کمرویی در دانش‌آموزان؛
- ۳- تعیین رابطه سبک دلبستگی آشفته با کمرویی در دانش‌آموزان؛

و این امر می‌تواند بر پایگاه هویت نیز اثرگذار بوده و با آن در ارتباط باشد چرا که نوجوانان و بزرگسالانی که احساس هویت فردی در آنها قوی است، خود را افرادی مجزا و متمایز از دیگران می‌دانند و کلمه فرد نیز وقتی مترادف با کلمه شخص به کار می‌رود نشانگر نیازی است همگانی به درک خود به عنوان کسی که به رغم داشتن چیزهای مشترک با دیگران از آنها جدا نیست. نیاز به ثبات رأی و حس یکپارچگی نیز ارتباط نزدیکی با آن نیاز همگانی به درک خود دارد، نوجوان یا بزرگسال برای اینکه احساس هویت داشته باشد، باید در طول زمان در خود تداومی ببیند به نقل از اریکسون نوجوان برای رسیدن به یکپارچگی باید احساس کند که آنچه بنا به فراین موجود در آینده خواهد شد، تداوم پیشرفته آن چیزی است که در سال‌های طفولیت بوده است. بنابراین نوجوانی و جوانی از مهم‌ترین دوران زندگی انسان بشمار می‌رود که اولیای اسلام جوانی را یکی از نعمتهای پر ارج الهی و از سرمایه‌های بزرگ سعادت در زندگی شناخته‌اند و تأثیر آن را بر ابتکار و خلاقیت آنها در آینده مورد توجه قرار داده‌اند (Masen, 2007: 524).

کمرویی نیز متغیر دیگری است که در پژوهش حاضر مطرح می‌باشد و بنظر می‌رسد با سبک دلبستگی در ارتباط باشد چرا که به صورت رفتار در افراد نوجوان و جوان جلوه‌گر می‌شود و لازم است در نظام آموزش و پرورش مورد بررسی قرار گرفته و برای مقابله با این نوع رفتار برنامه‌ای جامع و مشخص، همراه با جدیت و پشتکار و با خودباوری برای مبتلایان در نظر گرفته شود.

**تعاریف واژه‌ها و اصطلاحات****تعریف نظری**

سبک‌های دلبستگی: عبارت است از پیوند عاطفی عمیقی که با افراد خاص در زندگی خود برقرار می‌کنیم، به گونه‌ای که تعامل با آنان به احساس نشاط و شغف می‌انجامد و هنگام استرس از اینکه آنها را در کنار خود داریم احساس آرامش می‌کنیم (مومنی و همکاران، پیشین: ۱۷۴).

سبک دلبستگی ایمن: افراد ایمن، اضطراب و اجتناب کمی را تجربه می‌کنند و احساس راحتی همراه با صمیمیت و خودمختاری دارند.

سبک دلبستگی دوسوگرا: این سبک از نظر مفهومی مطابق با الگوی دوسوگرایی هازان و شیور است که به عنوان اشتغالی نامیده می‌شود. این افراد اضطراب بالا و اجتناب پایین را نشان می‌دهند و خود را لایق بی‌قابلیتی و بی‌ارزشی در عشق می‌دانند، ارزش خودشان را بر پایه اهمیت مردم به پذیرش آنها در زندگی تعیین می‌کنند.

سبک دلبستگی آشفته: این افراد با اضطراب پایین و اجتناب بالا در روابط رمانتیک بزرگسالی توصیف می‌شوند. این افراد خودشان را در برابر نومیدی و ناکامی و سرخوردگی با اجتناب از روابط نزدیک حمایت می‌کنند و احساس استقلال و مصونیت و آسیب پذیری را حفظ می‌کنند این سبک اجتنابی انفصالی (از هم گسیخته) نامیده می‌شود.

سبک‌های هویت: به شیوه‌های هویتی افراد در برابر بحران‌های زندگی که در آن رفتاری را از خود نشان می‌دهند.

۴- تعیین رابطه سبک هویت اطلاعاتی با کمرویی در دانش-آموزان؛

۵- تعیین رابطه سبک هویت هنجاری با کمرویی در دانش-آموزان؛

۶- تعیین رابطه سبک هویت سردرگمی یا اجتنابی با کمرویی در دانش‌آموزان.

متغیرهای مورد مطالعه

متغیر پیش‌بین: سبک‌های دلبستگی و سبک‌های هویت
متغیر ملاک: کمرویی

فرضیه‌های پژوهش

۱- بین سبک دلبستگی ایمن با کمرویی در دانش‌آموزان رابطه وجود دارد.

۲- بین سبک دلبستگی دوسوگرا با کمرویی در دانش-آموزان رابطه وجود دارد.

۳- بین سبک دلبستگی آشفته با کمرویی در دانش‌آموزان رابطه وجود دارد.

۴- بین سبک هویت اطلاعاتی با کمرویی در دانش‌آموزان رابطه وجود دارد.

۵- بین سبک هویت هنجاری با کمرویی در دانش‌آموزان رابطه وجود دارد.

۶- بین سبک هویت سردرگمی یا اجتنابی با کمرویی در دانش‌آموزان رابطه وجود دارد.

اجتماعی بازدارنده و شدید باشد (Berzonsky, 1980:78).¹

سبک‌های دلبستگی: منظور از سبک‌های دلبستگی نمره‌ای است که پاسخ‌دهندگان از پرسشنامه دلبستگی کولینزورید (RAAS) (۱۹۹۰) دریافت می‌کند. **سبک‌های هویت:** منظور از سبک هویت در پژوهش حاضر نمره‌ای است که پاسخ‌دهندگان از پرسشنامه سبک‌های هویت (ISI-6G) برونسکی (۲۰۰۹) دریافت می‌کند. **کمرویی:** منظور از کمرویی در این پژوهش نمره‌ای است که پاسخ‌دهندگان از پرسشنامه‌ی کمرویی استنفورد زیمباردو (۲۰۰۱) دریافت می‌کند.

پیشینه پژوهش

صادقی و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان رابطه ویژگی‌های شخصیتی با سبک‌های هویت در دانشجویان به بررسی ۳۶۰ نفر از دانشجویان مقطع کارشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز پرداختند. یافته‌های پژوهش نشان داد که ترکیب وجدانی بودن، توافق‌پذیری و برون‌گرایی پایین احتمال دو سبک هویت هنجاری و اطلاعاتی را کاهش می‌دهد.

نادری و همکاران (۱۳۹۳)، در پژوهشی با عنوان «بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی مادر با سازگاری دانش‌آموزان» با توجه به میزان تحصیلات والدین به بررسی ۲۹۵ نفر از دانش‌آموزان دختر از بین دبیرستان‌های دولتی ناحیه دو شهر کرمان پرداختند. با توجه به نتایج به دست آمده از

جیمز مارسیا (۱۹۸۰) معتقد است که در برخورد با چنین بحران‌هایی در زندگی امکان شکل‌گیری چهار نوع هویت وجود دارد:

۱- **هویت موفق (هویت اطلاعاتی):** افرادی که در این موقعیت قرار دارند به طور فعال با پرسش‌های من کیستم، چه می‌کنم، به کجا می‌روم برخورد می‌کنند و آنها را حل کرده‌اند.

۲- **تعلیق (برزخ هویت):** افراد مدام با بحران درگیر هستند، ولی بین علایقشان و برنامه‌هایی که برای آنها در نظر می‌گیرند تعارضی وجود دارد که آنها را گرفتار کرده است.

۳- **وقفه در هویت‌یابی (هویت هنجاری):** در این وضعیت، افراد خود را در حالت بحران حس نمی‌کنند و با پاسخ‌های در نظر گرفته شده توسط دیگران کنار می‌آیند و به نوعی، از همان پاسخ‌ها تبعیت می‌کنند.

۴- **سردرگمی در هویت (سردرگمی یا اجتنابی):** در این حالت فرد نه به یکپارچگی شخصیت دست می‌یابد و نه بحران را به درستی تجربه می‌کند. این افراد تمایل دارند در کارهایشان تعلل کنند و از روبه‌رو شدن با مسائل شخصی خود اجتناب می‌ورزند. بطور کلی یک احساس نسبتاً پایدار از یگانگی (Berzonsky, 2009:58-73).

کمرویی: یک توجه افراطی به خود، اشتغال ذهنی به افکار، احساسات و واکنش‌های جسمانی خود است که می‌تواند حداقل شامل یک ناراحتی اجتماعی ضعیف تا یک ترس

¹ Tamas

² Rajas

³ Satva



خراشادی زاده و همکاران (۱۳۹۱)، در پژوهشی با عنوان نقش ادراک دلبستگی دوران کودکی، کنش‌وری خانواده و سبک‌های اسنادی بر اضطراب اجتماعی به بررسی ۷۰۰ دانشجو دو دانشگاه پیام نور و آزاد بیرجند پرداختند. یافته‌ها نشان دادند سبک‌های اسنادی، دلبستگی نایمن به مادر و پیوستگی با خانواده به طور مستقیم پیش‌بینی کننده اضطراب اجتماعی هستند. همچنین، دلبستگی به والد از طریق پیوستگی و اسناد موفقیت بر کاهش و افزایش اضطراب اجتماعی مسیرهای معناداری نشان دادند. با توجه به یافته‌های این پژوهش می‌توان دریافت که پیوستگی اعضای خانواده و اسناد موفقیت باعث کاهش اضطراب اجتماعی و نایمنی به مادر و اسناد شکست موجب افزایش اضطراب اجتماعی می‌شوند.

عاشوری و همکاران (۱۳۹۱)، در پژوهشی با عنوان نقش جهت‌گیری هدف‌های پیشرفت و کمرویی در رفتار اجتناب از کمک طلبی انجام دادند. نتایج حاکی از اهمیت توجه به متغیرهای انگیزشی-اجتماعی (جهت‌گیری هدف‌های پیشرفت) و شخصیتی (کمرویی) در رفتار اجتناب از کمک طلبی بود.

سواری و بلشیده (۱۳۹۱)، در پژوهشی با عنوان بررسی رابطه کمرویی و احساس تنهایی با اعتیاد به اینترنت در بین دانشجویان رشته مهندسی کامپیوتر دانشگاه آزاد اهواز پرداختند. یافته‌ها نشان داد که کمرویی و احساس تنهایی با اعتیاد به اینترنت همبستگی مثبت دارند. نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که کمرویی و احساس تنهایی از پیش‌بین کننده اعتیاد به اینترنت دانشجویان به شمار می‌روند.

رگرسیون سلسله مراتبی، می‌توان بیان داشت که ابعاد مختلف سازگاری از طریق سبک‌های دلبستگی تبیین و پیش‌بینی‌پذیر است؛ به طوریکه با افزایش دلبستگی ایمن، سازگاری بیشتر می‌شود. همچنین، سطح تحصیلات والدین در ارتباط بین سبک‌های دلبستگی و سازگاری (به ویژه سازگاری اجتماعی و آموزشی) نقش معنی‌داری دارد؛ به طوریکه با افزایش میزان تحصیلات، دلبستگی ایمن بیشتر می‌شود و سازگاری افزایش می‌یابد.

جعفری (۱۳۹۰)، در پژوهشی با عنوان تأثیر آموزش مهارت‌های مثبت اندیشی بر کمرویی نوجوانان به بررسی ۳۶ نفر از دانش‌آموزان مقطع راهنمایی مشهد پرداختند. داده‌های بدست آمده از پژوهش حاضر حاکی از آن بود که در متغیرهای وابستگی، تنهایی، بی‌تفاوتی، کناره‌گیری و انفعالی، بین گروه آزمایش و گواه تفاوت معنی‌داری وجود دارد و فقط در خرده مقیاس طردشدگی تفاوت معناداری میان دو گروه مشاهده نشد. نتایج بدست آمده نشان داد که آموزش مهارت‌های مثبت اندیشی موجب کاهش نمره کمرویی دانش‌آموزان گروه آزمایش شده است.

یاسینی فرید و همکاران (۱۳۹۲)، در پژوهشی با عنوان اثربخشی آموزش مهارت‌های اجتماعی بر کمرویی در دانش‌آموزان دختر به بررسی ۵۰ نفر از دانش‌آموزان دختر سال اول راهنمایی شهر ملکشاهی پرداختند. تحلیل داده‌ها با استفاده از روش‌های آماری تحلیل کوواریانس یک متغیره و تحلیل کوواریانس چند متغیره نشان داد که آموزش مهارت‌های اجتماعی به شیوه گروهی بر کاهش کمرویی و مولفه‌های آن موثر است.



اجمل و همکاران (۲۰۱۱)، در پژوهشی با عنوان رابطه کمرویی با اعتمادبه‌نفس که بر روی پسران در کشور پاکستان انجام دادند به این نتیجه رسیدند که ایجاد انگیزه و دلگرمی دادن ممکن است بر کاهش کمرویی و افزایش اعتماد به نفس پایین پسران غلبه کند.

روث و شانن^۱ (۲۰۱۱)، در پژوهشی با عنوان بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی با افسردگی و بخشودگی پرداختند نتایج نشان داد سبک دلبستگی دوسوگرا با افسردگی و سبک دلبستگی ایمن با بخشودگی رابطه مثبت معنادار دارد.

دفنچر^۲ (۲۰۱۱)، در پژوهشی با عنوان اثربخشی درمان شناختی-رفتاری بر کمرویی و کاهش پرخاشگری به بررسی سه آزمودنی مرد که از هوش و سواد متوسطی برخوردار بودند، پرداختند و نتیجه خوبی از درمان حاصل شده است، طوری که آزمودنی‌ها نه تنها کاهش خشم را گزارش کرده‌اند بلکه توانستند تا حدودی توانمندی ابراز وجود بیشتری داشته باشند. و به نظر می‌رسد راهبردهای درمانی برای خشم از قبیل آموزش آرمیدگی درکاستن از اضطراب افراد کمرو، بازسازی شناختی، آموزش حل مسئله، مواجهه با محرک‌های خشم و یادگیری پاسخ‌های سازگارانه به محرک‌ها از حمایت‌های تجربی برخوردارند.

باس (۲۰۱۰)، در پژوهشی با عنوان بررسی ارتباط بین کمرویی و احساس تنهایی در بین دانش‌آموزان ترک پرداخت. نتایج نشان داد که بین احساس تنهایی و کمرویی همبستگی مثبت وجود دارد و سطوح کمرویی در دانش-

امانی و مجذوبی (۱۳۹۰)، در پژوهشی با عنوان پیش‌بینی سبک‌های هویت بر اساس سبک‌های دلبستگی به بررسی ۱۳۰ نفر از دانشجویان دانشگاه بوعلی‌سینا پرداختند. یافته‌ها نشان دادند که رابطه‌ای معنی‌دار میان سبک‌های دلبستگی و سبک‌های هویت وجود دارد. رابطه‌ای معنی‌دار میان جنس و سبک هویت وجود دارد؛ اما رابطه‌ای معنی‌دار میان جنس و سبک دلبستگی وجود ندارد. رابطه‌ای معنی‌دار و مثبت میان سبک دلبستگی ایمن و سبک هویت اطلاعاتی و رابطه‌ای معنی‌دار و منفی میان سبک دلبستگی ایمن و سبک هویت هنجاری وجود دارد؛ میان سبک دلبستگی ایمن و سبک هویتی سردرگم نیز رابطه‌ای معنی‌دار و منفی وجود دارد. سبک دلبستگی ایمن، توان پیش‌بینی سبک هویت اطلاعاتی را دارد. این یافته‌ها بار دیگر، نقش بنیادی و پویای کیفیت پیوندهای عاطفی نخستین میان کودک و مادر را در شکل‌گیری، استقرار و تداوم اعتماد اساسی، پیوندجویی، اکتشاف‌گری، تجربه-آموزی، قدرت مواجهه، حل مسأله و به ویژه هویت، برجسته می‌سازد.

پژوهش‌های انجام شده در خارج از کشور
باس گوکان (۲۰۱۱)، در پژوهشی با عنوان خودپنداره به عنوان یک واسطه در بین ساختار هویت و رفاه ذهنی نشان داد که در اینجا ارتباط ضعیفتری در میان انواع ویژگی‌های ساختار هویت و رفاه ذهنی برای اشخاص با خودپنداره بسیار وابسته وجود داشت، نسبت به اشخاصی با خودپنداره بسیار مستقل.

¹Rouch & Shunen

²Defencher



ابزار گردآوری داده‌ها

پرسشنامه دلبستگی کولینز و رید (RAAS) (۱۹۹۰): این مقیاس مشتمل بر ۱۸ گویه می‌باشد که از طریق علامت‌گذاری روی یک مقیاس ۵ درجه‌ای (از نوع لیکرت) که از به هیچ وجه با خصوصیات من تطابق ندارد = ۱، تا کاملاً با خصوصیات من تطابق دارد = ۵ تشکیل می‌گردد، سنجیده می‌شود. دارای ۳ زیر مقیاس است، وابستگی (D)، نزدیک بودن (C)، اضطراب (A). زیر مقیاس اضطراب (A) با دلبستگی اضطرابی-دوسوگرا مطابقت دارد و زیر مقیاس نزدیک بودن (C) یک بعد دوقطبی است که اساساً توصیف‌های ایمن و اجتنابی را در مقابل هم قرار می‌دهد، بنابراین نزدیک بودن (C) در تطابق با دلبستگی ایمن می‌باشد و زیر مقیاس وابستگی (D) را می‌توان تقریباً عکس دلبستگی اجتنابی قرار داد. کولینز و رید نشان دادند که زیر مقیاس‌های نزدیک بودن، وابستگی و اضطراب در فاصله زمانی ۲ ماه و حتی در طول ۸ ماه پایدار ماندند و در مورد قابلیت اعتماد مقیاس دلبستگی بزرگسال، کولینز و رید میزان آلفای کرونباخ را برای زیر مقیاس دلبستگی ایمن ۸۲ درصد، برای دلبستگی اجتنابی ۸۰ درصد و برای دلبستگی اضطرابی ۸۳ درصد گزارش دادند. از سوی دیگر در پژوهش پاکدامن (۱۳۸۰)، میزان پایایی^۱ آزمون با استفاده از آزمودن مجدد نشان داده شد که این در سطح ۹۵ درصد است. با توجه به اینکه مقادیر آلفای کرونباخ در تمامی موارد مساوی یا بیش از ۸۰ درصد است آزمون از پایایی بالایی برخوردار می‌باشد.

آموزان پسر از دانش‌آموزان دختر بیشتر است و احساس تنهایی در دانش‌آموزان دختر از دانش‌آموزان پسر بیشتر است. مطالعات برزونسکی (۲۰۰۹)، نشان دادند که تعهد هویت با سبک‌های پردازش هویت رابطه دارد. افرادی که فرایندهای اطلاعاتی و هنجاری را بکار می‌گیرند، تعهدات قوی‌تری نسبت به افراد دارای سبک هویت سردرگم/اجتنابی دارند. برنتسن (۲۰۰۸)، در رابطه با هویت و میزان نشانه‌های تنیدگی در افراد ارتباط معناداری بین هویت فرد و تفاوت در درک میزان تنیدگی و نشانه آن پیدا کرد. این افراد دچار مشکلات سازگاری بیشتری هستند و معمولاً انتظار شکست و ناکامی دارند و از مهارت‌های خودمهارگری و خودمختاری کمتری برخوردارند.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر نوع روش تحقیق، همبستگی؛ از نظر هدف، کاربردی؛ از نظر نحوه جمع‌آوری اطلاعات، توصیفی و از نظر موقعیت، میدانی است. جامعه آماری پژوهش حاضر دانش‌آموزان پسر مقطع متوسطه اول می‌باشد. که تعدادشان ۴۴۰۱ نفر می‌باشد. با مراجعه به جدول کرجسی و مورگان و روش نمونه‌گیری تصادفی ساده تعداد نمونه ۳۵۱ نفر از دانش‌آموزان پسر مقطع متوسطه اول به عنوان نمونه انتخاب شدند.

¹Reliability

دست آمده رضایت‌بخش بود ($KMO=0/810$). همچنین آزمون بارتلت برای کرویت در سطح $P > 0/0001$ معنی‌دار بود ($X^2=6295/15$) در تحلیل عاملی از روش‌های مؤلفه‌های اصلی بارهای عاملی حداقل ۳۵۴ درصد استفاده می‌شود. به عبارت دیگر، ضریب همبستگی ۳۵۴ درصد به عنوان حداقل بستگی قابل قبول بین هر سبک و عامل استخراج شده تعیین می‌گردد. نتایج تحلیل عوامل نشان داد که سه عامل قوی معنی‌دار با ارزش ویژه بالاتر از ۱ و روش مؤلفه‌های اصلی قابل استخراج ۲/۲۶ درصد واریانس را تبیین می‌کند. بنابراین، پرسشنامه سبک هویت به سه عامل تقلیل می‌یابد که با ساخت مقیاس هماهنگ می‌باشد (اقتباس از پژوهش‌های کار شده در این زمینه).

پایایی پرسشنامه سبک هویت: برای ارزیابی و سنجش همسانی درونی پرسشنامه سبک هویت، ضریب آلفای کرونباخ بر روی داده‌های نمونه اصلی ($N=1832$) محاسبه شد. نتایج در جدول آورده شده است. ملاحظه می‌شود که ضرایب به دست آمده با ضرایب محاسبه شده توسط برزونسکی (۱۹۹۲)، وایت و همکارانش (۱۹۹۸) بسیار نزدیک هستند. جهت اعتبار پرسشنامه سبک هویت از مقیاس سلامت عمومی گلدبرگ (GHQ-28) استفاده شده است. مقیاس سلامت عمومی دارای ۲۸ ماده است و آزمودنی به یکی از چهارگزینه «به هیچ وجه»، «نه بیش از حد معمول»، «بیش از حد معمول»، «بسیار بیش از حد معمول» پاسخ می‌دهد. گرفتن نمره بالا در آن نشان دهنده سلامت عمومی پایین است. مقیاس سلامت عمومی از پایایی بسیار مطلوبی برخوردار است. پرسشنامه سبک هویت و مقیاس سلامت عمومی گلدبرگ (GHQ-28) به

پرسشنامه سبک هویت (ISI-6G): این پرسشنامه توسط برزونسکی (۱۹۹۲)، ساخته شده این پرسشنامه ۴۰ سؤال دارد که براساس جدول زیر، بیانگر چهار سبک هویتی می‌باشد. پس از پاسخ‌دهی به سؤالات پاسخ‌ها را به صورت کاملاً مخالف ۱-، تا حدودی مخالف ۲- مطمئن نیستم ۳-، تا حدودی موافق ۴-، و کاملاً موافق ۵- نمره‌گذاری کنید. در مورد سؤالات ۹-۱۱-۱۴-۲۰ بر عکس نمره‌گذاری کنید. در میان این ۴۰ سؤال، ۹ سؤال مربوط به مقیاس هویت هنجاری، ۱۰ سؤال مربوط به مقیاس سردرگم یا اجتنابی و ۱۱ سؤال مربوط به مقیاس اطلاعاتی است. ۱۰ سؤال دیگر مربوط به مقیاس تعهد است که سبک هویتی محسوب نمی‌شود و برای تحلیل ثانویه به کار می‌رود.

سؤالات	مقیاس
۳۷-۳۵-۳۳-۳۰-۲۶-۲۵-۱۸-۱۶-۶-۵-۲	اطلاعاتی
۴۰-۳۴-۳۲-۲۸-۲۳-۲۱-۱۹-۱۰-۴	هنجاری
۳۸-۳۶-۳۱-۲۹-۲۷-۲۴-۱۷-۱۳-۸-۳	سردرگم یا اجتنابی
۳۹-۲۲-۲۰-۱۵-۱۴-۱۲-۱۱-۹-۷-۱	تعهد

کسب نمره بیشتر در هر مقیاس، بیانگر گرایش به آن سبک هویتی است.

این آزمون دارای ۵ مقیاس (کاملاً مخالف ۱، تا حدودی مخالف ۲، مطمئن نیستم ۳، تا حدودی موافق ۴، کاملاً موافق ۵) است.

روایی و پایایی پرسشنامه سبک هویت

برای تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار آماری SPSS استفاده شد. ابتدا در رابطه با قابلیت ۳۰ ماده پرسشنامه سبک هویت برای تحلیل عاملی، آزمون KMO انجام شد که ضریب به



بهره‌گیری شود. براساس آزمون کولموگراف اسمیرنوف استفاده شده که نتایج آن در ذیل مشخص شده است.

داده‌ها از توزیع نرمال برخوردار می‌باشند: H_0 :

داده‌ها از توزیع نرمال برخوردار نمی‌باشند: H_1 :

جدول (۱) نتایج آزمون کولموگروف-اسمیرنوف

متغیر	مقدار آماره $k-s$	سطح معنی داری	نتیجه (نرمال / غیر نرمال بودن توزیع)
کمرویی	۹۹۸	۲۷۲	نرمال
سبک‌های هویت	۱/۲۲۴	۱۰۰	نرمال
سبک دل‌بستگی	۱/۳۵۰	۰۵۲	نرمال

نتایج آزمون نشان می‌دهد که چون سطح معناداری متغیرها بزرگتر از $0.01 > \text{Sig}$ می‌باشد در نتیجه تمامی متغیرها دارای توزیع نرمال می‌باشند و می‌توان برای بررسی سوالات پژوهش از آزمون‌های پارامتریک استفاده کرد.

۱- بین سبک دل‌بستگی ایمن با کمرویی در دانش‌آموزان رابطه وجود دارد.

جدول (۲) نتایج آزمون پیرسون فرضیه اول

متغیرها	df	تعداد	ضریب همبستگی پیرسون	Sig (سطح معنی داری)	میزان خطا (α)
سبک دل‌بستگی ایمن کمرویی	۱	۳۵۱	-۰۶۹۵	۰۰۰	۱/۰۰

$$H_0 : \rho = 0$$

$$H_1 : \rho \neq 0$$

طور همزمان در تحقیقات پیشین به ۱۸۳۲ دانش‌آموز دبیرستانی (۹۶۸ دختر و ۸۶۴ پسر) داده شد. ضرایب همبستگی بین نمره‌های آزمودنی‌ها در سه سبک هویت و مقیاس سلامت عمومی و مقیاس‌های فرعی آن برای کل آزمودنی‌ها در جدول آورده شده است. این یافته‌ها بیانگر اعتبار پرسشنامه سبک هویت می‌باشد. جدول‌ها نشان می‌دهد که سبک‌های هویتی اطلاعاتی و هنجاری و تعهد باسلامت روانی؛ افسردگی، اضطراب، اختلال در عملکرد اجتماعی و نشانه‌های جسمانی رابطه معنی‌دار دارند که شدت رابطه برای سبک هنجاری بیشتر می‌باشد. سبک هویت سردرگم یا اجتنابی با سلامت روانی و مقیاس‌های فرعی آن رابطه منفی دارد.

پرسشنامه کمرویی استنفورد: این پرسشنامه دارای ۴۰ سؤال ۴ گزینه‌ای است که در سال ۱۹۹۷ در دانشگاه استنفورد با همکاری زیمباردو ساخته شده است. بین کلیه سؤالات و نمره کل پرسشنامه، همبستگی مثبت و معنادار وجود دارد. هنجاریابی این پرسشنامه در سال ۱۳۷۶ در ایران توسط محمد علی عبادتی انجام شده، ضریب پایایی آن بوسیله آلفای کرونباخ برای دختران ۸۶ درصد، برای پسران ۸۲ درصد و برای کل جمعیت ۸۳ درصد بدست آمده است.

آزمون کولموگروف-اسمیرنوف (تست نیکویی برازش)

به منظور اینکه نظرات آزمودنی‌ها از سطح نرمال برخوردار می‌باشند یا خیر؟ و اینکه جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از چه نوع قواعد و آزمون پارامتریک یا غیرپارامتریک

کمرویی دانش‌آموزان رابطه معنادار وجود دارد. همچنین ضریب همبستگی پیرسون مقدار ۵۸ درصد را نشان می‌دهد که نشان از رابطه خوبی می‌باشد.

۳- بین سبک دلبستگی آشفته با کمرویی در دانش‌آموزان رابطه وجود دارد.

جدول (۴) نتایج آزمون پیرسون فرضیه سوم

متغیرها	df	تعداد	ضریب همبستگی پیرسون	Sig (سطح معنی داری)	میزان خطا (α)
سبک دلبستگی آشفته کمرویی	۱	۳۵۱	-.۴۵۳	...	۱/۰۰

$$H_0: \rho = 0$$

$$H_1: \rho \neq 0$$

تفسیر: با توجه به داده‌های جدول با ۹۹ درصد اطمینان با میزان خطای (α=۰/۰۱) و سطح معناداری ۰/۰۰۰ مقدار ضریب همبستگی (۴۵ درصد) می‌باشد. فرضیه صفر رد و فرضیه پژوهش تأیید می‌شود با توجه به اینکه علامت ضریب همبستگی پیرسون منفی می‌باشد، فرضیه صفر رد و فرضیه پژوهش تأیید می‌شود، این نتیجه حاصل می‌گردد که بین سبک دلبستگی آشفته با کمرویی دانش‌آموزان رابطه معنادار وجود دارد. همچنین ضریب همبستگی پیرسون مقدار ۴۵ درصد را نشان می‌دهد که نشان از رابطه متوسط بین متغیرها می‌باشد.

۴- بین سبک هویت اطلاعاتی با کمرویی در دانش‌آموزان رابطه وجود دارد.

تفسیر: با توجه به داده‌های جدول با ۹۹ درصد اطمینان با میزان خطای (α=۰/۰۱) و سطح معناداری ۰۰۰/۰ مقدار ضریب همبستگی (۶۹ درصد) می‌باشد. فرضیه صفر رد و فرضیه پژوهش تأیید می‌شود با توجه به اینکه علامت ضریب همبستگی پیرسون منفی می‌باشد، این نتیجه حاصل می‌گردد که بین سبک دلبستگی ایمن با کمرویی دانش‌آموزان رابطه معنادار و منفی وجود دارد. همچنین ضریب همبستگی پیرسون مقدار ۶۹ درصد را نشان می‌دهد که نشان از رابطه قوی می‌باشد.

۲- بین سبک دلبستگی دوسوگرا با کمرویی در دانش‌آموزان رابطه وجود دارد.

جدول (۳) نتایج آزمون پیرسون فرضیه دوم

متغیرها	df	تعداد	ضریب همبستگی پیرسون	Sig (سطح معنی داری)	میزان خطا (α)
سبک دلبستگی دوسوگرا کمرویی	۱	۳۵۱	۰.۵۷۷	...	۱/۰۰

$$H_0: \rho = 0$$

$$H_1: \rho \neq 0$$

تفسیر: با توجه به داده‌های جدول با ۹۹ درصد اطمینان با میزان خطای (α=۰/۰۱) و سطح معناداری ۰/۰۰۰ مقدار ضریب همبستگی (۵۷ درصد) می‌باشد. فرضیه صفر رد و فرضیه پژوهش تأیید می‌شود با توجه به اینکه علامت ضریب همبستگی پیرسون مثبت می‌باشد، فرضیه صفر رد و فرضیه پژوهش تأیید می‌شود، این نتیجه حاصل می‌گردد که بین سبک دلبستگی دوسوگرا با



جدول (۵) نتایج آزمون پیرسون فرضیه چهارم

متغیرها	df	تعداد	ضریب همبستگی پیرسون	Sig (سطح معنی داری)	میزان خطا (α)
سبک هویت اطلاعاتی کمروبی	۱	۳۵۱	۴۵۱	...	۱/۰۰

$$H_0: \rho = 0$$

$$H_1: \rho \neq 0$$

تفسیر: با توجه به داده‌های جدول با ۹۹ درصد اطمینان با میزان خطای ($\alpha=0/01$) و سطح معناداری ۰/۰۰۰ مقدار ضریب همبستگی (۴۹ درصد) می‌باشد. فرضیه صفر رد و فرضیه پژوهش تأیید می‌شود با توجه به اینکه علامت ضریب همبستگی پیرسون مثبت می‌باشد، فرضیه صفر رد و فرضیه پژوهش تأیید می‌شود، این نتیجه حاصل می‌گردد که بین سبک هویت هنجاری با کمروبی دانش‌آموزان رابطه معنادار وجود دارد. همچنین ضریب همبستگی پیرسون مقدار ۴۹ درصد را نشان می‌دهد که نشان از رابطه متوسط بین متغیرها می‌باشد.

۶- بین سبک هویت سردرگمی یا اجتنابی با کمروبی در دانش‌آموزان رابطه وجود دارد.

جدول (۷) نتایج آزمون پیرسون فرضیه ششم

متغیرها	df	تعداد	ضریب همبستگی پیرسون	Sig (سطح معنی داری)	میزان خطا (α)
سبک‌های هویت کمروبی	۱	۳۵۱	۴۴۲	...	۱/۰۰

$$H_0: \rho = 0$$

$$H_1: \rho \neq 0$$

تفسیر: با توجه به داده‌های جدول با ۹۹ درصد اطمینان با میزان خطای ($\alpha=0/01$) و سطح معناداری ۰/۰۰۰ مقدار ضریب همبستگی (۴۴ درصد) می‌باشد. فرضیه صفر رد و فرضیه پژوهش تأیید می‌شود با توجه به اینکه علامت ضریب همبستگی پیرسون مثبت می‌باشد، فرضیه صفر رد و فرضیه پژوهش تأیید می‌شود، این نتیجه حاصل می‌گردد که بین سبک هویت سردرگمی یا اجتنابی

تفسیر: با توجه به داده‌های جدول با ۹۹ درصد اطمینان با میزان خطای ($\alpha=0/01$) و سطح معناداری ۰/۰۰۰ مقدار ضریب همبستگی (۴۵ درصد) می‌باشد. فرضیه صفر رد و فرضیه پژوهش تأیید می‌شود. با توجه به اینکه علامت ضریب همبستگی پیرسون مثبت می‌باشد، فرضیه صفر رد و فرضیه پژوهش تأیید می‌شود، این نتیجه حاصل می‌گردد که بین سبک هویت اطلاعاتی با کمروبی دانش‌آموزان رابطه معنادار وجود دارد. همچنین ضریب همبستگی پیرسون مقدار ۴۵ درصد را نشان می‌دهد که نشان از رابطه متوسط بین متغیرها می‌باشد.

۵- بین سبک هویت هنجاری با کمروبی در دانش‌آموزان رابطه وجود دارد.

جدول (۶) نتایج آزمون پیرسون فرضیه پنجم

متغیرها	df	تعداد	ضریب همبستگی پیرسون	Sig (سطح معنی داری)	میزان خطا (α)
سبک هویت هنجاری کمروبی	۱	۳۵۱	۴۹۴	...	۱/۰۰

$$H_0: \rho = 0$$

$$H_1: \rho \neq 0$$

با کمرویی دانش‌آموزان رابطه معنادار وجود دارد. همچنین ضریب همبستگی پیرسون مقدار ۴۴ درصد را نشان می‌دهد که نشان از رابطه متوسط بین متغیرها می‌باشد.

بحث و تفسیر

فرضیه اول: بین سبک دلبستگی ایمن با کمرویی در دانش‌آموزان رابطه وجود دارد. نتایج پژوهش حاضر نشان داد که سبک دلبستگی ایمن با کمرویی دانش‌آموزان در ارتباط بوده و این دو متغیر با یکدیگر در ارتباط می‌باشند و میزان رابطه در حد قوی و منفی می‌باشد. با یافته‌های دفنیچر (۲۰۱۱)، نشان داد راهبردهای درمانی برای خشم از قبیل آموزش آرمیدگی درکاستن از اضطراب افراد کمرو، بازسازی شناختی، آموزش حل مسئله، مواجهه با محرک‌های خشم و یادگیری پاسخ‌های سازگارانه به محرک‌ها از حمایت‌های تجربی برخوردارند. ایجاد انگیزه و دلگرمی دادن ممکن است بر کاهش کمرویی و افزایش اعتماد به نفس پایین پسران غلبه کند. و خراشادی زاده و همکاران (۱۳۹۱)، نشان دادند که پیوستگی اعضای خانواده و اسناد موفقیت باعث کاهش اضطراب اجتماعی و نایمینی به مادر و اسناد شکست موجب افزایش اضطراب اجتماعی می‌شوند همسو و همخوان می‌باشد.

فرضیه دوم: بین سبک دلبستگی دوسوگرا با کمرویی دانش‌آموزان رابطه معنادار وجود دارد. نتایج پژوهش حاضر نشان داد که سبک دلبستگی ایمن با سبک کمرویی دانش‌آموزان در ارتباط بوده و این دو متغیر با یکدیگر در ارتباط می‌باشند و میزان رابطه در حد خوبی می‌باشد. با یافته‌های (نادری و همکاران، پیشین: ۱۴۲)، نشان داده شد

که ابعاد مختلف سازگاری از طریق سبک‌های دلبستگی تبیین و پیش‌بینی پذیر است؛ به طوریکه با افزایش دلبستگی ایمن، سازگاری بیشتر می‌شود. همچنین، سطح تحصیلات والدین در ارتباط بین سبک‌های دلبستگی و سازگاری (به ویژه سازگاری اجتماعی و آموزشی) نقش معنی‌داری دارد؛ به طوریکه با افزایش میزان تحصیلات، دلبستگی ایمن بیشتر می‌شود و سازگاری افزایش می‌یابد. عاشوری و همکاران (۱۳۹۱)، نشان می‌دهند توجه به متغیرهای انگیزشی-اجتماعی (جهت‌گیری هدف‌های پیشرفت) و شخصیتی (کمرویی) در رفتار اجتناب از کمک‌طلبی از اهمیت زیادی برخوردار است.

فرضیه سوم: بین سبک دلبستگی آشفته با کمرویی دانش‌آموزان رابطه معنادار وجود دارد. نتایج پژوهش حاضر نشان داد که سبک دلبستگی آشفته با کمرویی دانش‌آموزان در ارتباط بوده و این دو متغیر با یکدیگر در ارتباط می‌باشند و میزان رابطه در حد متوسط می‌باشد. ابعاد مختلف سازگاری از طریق سبک‌های دلبستگی تبیین و پیش‌بینی پذیر است؛ به طوریکه با افزایش دلبستگی ایمن، سازگاری بیشتر می‌شود. همچنین، سطح تحصیلات والدین در ارتباط بین سبک‌های دلبستگی و سازگاری (به ویژه سازگاری اجتماعی و آموزشی) نقش معنی‌داری دارد؛ به طوریکه با افزایش میزان تحصیلات، دلبستگی ایمن بیشتر می‌شود و سازگاری افزایش می‌یابد. جعفری و همکاران (۱۳۹۰)، نشان می‌دهند بازی درمانی شناختی رفتاری مایکنبام بر کاهش کمرویی کودکان دبستان مؤثر بوده است. روث و شانن (۲۰۱۱)، نشان داد سبک دلبستگی دوسوگرا با افسردگی و سبک دلبستگی ایمن با بخشودگی



فرضیه پنجم: بین سبک هویت هنجاری با کمرویی دانش-آموزان رابطه معنادار وجود دارد. نتایج پژوهش حاضر نشان داد که سبک هویت هنجاری با کمرویی دانش‌آموزان در ارتباط بوده و این دو متغیر با یکدیگر در ارتباط می‌باشند و میزان رابطه در حد متوسط می‌باشد.

با یافته‌های باس (۲۰۱۰)، نشان داده شد که بین احساس تنهایی و کمرویی همبستگی مثبت وجود دارد و سطوح کمرویی در دانش‌آموزان پسر از دانش‌آموزان دختر بیشتر است و احساس تنهایی در دانش‌آموزان دختر از دانش-آموزان پسر بیشتر است.

دفنچر (۲۰۱۱)، نتیجه خوبی از درمان حاصل شده است، طوری که آزمودنی‌ها نه تنها کاهش خشم را گزارش کرده‌اند بلکه توانستند تا حدودی توانمندی ابراز وجود بیشتری داشته باشند و بنظر می‌رسد راهبردهای درمانی برای خشم از قبیل آموزش آرمیدگی درکاستن از اضطراب افراد کمرو، بازسازی شناختی، آموزش حل مسئله، مواجهه با محرک‌های خشم و یادگیری پاسخ‌های سازگارانه به محرک‌ها از حمایت‌های تجربی برخوردارند.

منتظر غیب واحقر (۱۳۸۸)، نشان دادند هوش هیجانی به عنوان یک تعدیل‌گر کمرویی عمل می‌کند و دانشجویان با هوش هیجانی در سطح بالا، کمرویی کمتری را تجربه می‌کنند همسو و همخوان می‌باشد.

فرضیه ششم: بین سبک هویت سردرگمی یا اجتنابی با کمرویی دانش‌آموزان رابطه معنادار وجود دارد. نتایج پژوهش حاضر نشان داد که سبک هویت سردرگمی یا اجتنابی با کمرویی دانش‌آموزان در ارتباط بوده و این دو

رابطه مثبت معنادار دارد. باس (۲۰۱۰)، نشان داد که بین احساس تنهایی و کمرویی همبستگی مثبت وجود دارد و سطوح کمرویی در دانش‌آموزان پسر از دانش‌آموزان دختر بیشتر است و احساس تنهایی در دانش‌آموزان دختر از دانش‌آموزان پسر بیشتر است، همسو و همخوان می‌باشد.

فرضیه چهارم: بین سبک هویت اطلاعاتی با کمرویی دانش‌آموزان رابطه معنادار وجود دارد. نتایج پژوهش حاضر نشان داد که سبک هویت اطلاعاتی با کمرویی دانش‌آموزان در ارتباط بوده و این دو متغیر با یکدیگر در ارتباط می‌باشند و میزان رابطه در حد متوسط می‌باشد.

با یافته‌های برزونسکی (۲۰۰۳)، نشان دادند افرادی که فرایندهای اطلاعاتی و هنجاری را بکار می‌گیرند، تعهدات قوی‌تری نسبت به افراد دارای سبک هویت سردرگم اجتنابی دارند (خراشادی زاده و همکاران، ۱۳۹۱: ۳۹۵-۳۸۵)، نشان دادند سبک‌های اسنادی، دلبستگی ناایمن به مادر و پیوستگی با خانواده به طور مستقیم پیش‌بینی کننده اضطراب اجتماعی هستند. همچنین، دلبستگی به والد از طریق پیوستگی و اسناد موفقیت بر کاهش و افزایش اضطراب اجتماعی مسیرهای معناداری نشان دادند. برنتسن (۲۰۰۸)، در رابطه با هویت و میزان نشانه‌های تنیدگی در افراد ارتباط معناداری بین هویت فرد و تفاوت در درک میزان تنیدگی و نشانه آن پیدا کرد. این افراد دچار مشکلات سازگاری بیشتری هستند و معمولاً انتظار شکست و ناکامی دارند و از مهارت‌های خودمهارگری و خودمختاری کمتری برخوردارند همسو و همخوان می‌باشد.

نتیجه‌گیری

هدف از انجام پژوهش حاضر بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی با سبک‌های هویت و کمرویی در دانش‌آموزان پسر مقطع متوسطه اول ناحیه ۲ ساری است. نتایج نشان داد که بین سبک دلبستگی ایمن با کمرویی دانش‌آموزان رابطه معنادار و منفی وجود دارد. بین سبک دلبستگی دوسوگرا با کمرویی دانش‌آموزان رابطه معنادار وجود دارد. بین سبک دلبستگی آشفته با کمرویی دانش‌آموزان رابطه معنادار وجود دارد. بین سبک هویت اطلاعاتی با کمرویی دانش‌آموزان رابطه معنادار وجود دارد. بین سبک هویت هنجاری با کمرویی دانش‌آموزان رابطه معنادار وجود دارد. بین سبک هویت سردرگمی یا اجتنابی با کمرویی دانش‌آموزان رابطه معنادار وجود دارد.

پیشنهادات

الف) پیشنهادات مبتنی بر یافته‌های پژوهش

مطابق با یافته‌های پژوهش پیشنهاد می‌شود مسئولین با برگزاری کارگاه‌های آموزشی رایگان یا با کمترین هزینه سبک‌های دلبستگی را برای خانواده‌ها تبیین و تشریح کنند. مطابق با یافته‌های پژوهش به مشاوران مدارس پیشنهاد می‌شود ارتباط بهتر و بیشتر با دانش‌آموزان در آستانه بلوغ برقرار نمایند تا در صورت لزوم بتوانند پاسخگوی سوالاتشان باشند.

مطابق با یافته‌های پژوهش نیاز است تا ارتباط بیشتری میان اولیا مدرسه و خانه برقرار شود تا در دوران بلوغ هر دو طرف اطلاعات لازم را در اختیار هم قرار دهند. مطابق با یافته‌های پژوهش جهت رسیدن به هویت کامل دانش-

متغیر با یکدیگر در ارتباط می‌باشند و میزان رابطه در حد متوسط می‌باشد.

با نتایج یافته‌های عاشوری و همکاران (۱۳۹۱)، که حاکی از اهمیت توجه به متغیرهای انگیزشی-اجتماعی (جهت-گیری هدف‌های پیشرفت) و شخصیتی (کمرویی) در رفتار اجتناب از کمک‌طلبی بود.

سوار و بلشیده (۱۳۹۱)، نشان دادند که کمرویی و احساس تنهایی با اعتیاد به اینترنت همبستگی مثبت دارند. نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که کمرویی و احساس تنهایی از پیش‌بین کننده اعتیاد به اینترنت دانشجویان به شمار می‌روند.

جعفری و همکاران (۱۳۹۰)، به بررسی تأثیر بازی درمانی با رویکرد شناختی-رفتاری مایکنام در کاهش کمرویی و گوشه‌گیری اجتماعی کودکان دبستانی شهرستان ابهر پرداختند. به همین منظور تعداد ۵۰ نفر کمرویی آزمودنی-های گروه آزمایشی بطور معناداری کمتر از آزمودنی گروه کنترل است همچنین نمره کمرویی آنها نسبت به نمره پیش آزمون، تغییر و تفاوت معناداری نشان داد. در نتیجه بازی درمانی شناختی-رفتاری مایکنام بر کاهش کمرویی کودکان دبستان مؤثر بوده است.

اجمل و همکاران (۲۰۱۱)، نشان دادند ایجاد انگیزه و دلگرمی دادن ممکن است بر کاهش کمرویی و افزایش اعتماد به نفس پایین پسران غلبه کند همسو و همخوان می‌باشد.



۲- ایمانی، محمد تقی و کیذقان، طاهره (۱۳۹۲)، «بررسی عوامل موثر بر هویت اجتماعی زنان»، فصلنامه علوم انسانی دانشگاه الزهراء(س)، سال دوازدهم و سیزدهم، شماره ۴۵.

۳- جعفری، کاظم (۱۳۹۰)، مشکل کمروبی در نوجوانان و جوانان و چگونگی درمان آن، مقاله ارائه شده در سمینار مسائل نوجوانان، دانشگاه آزاد اسلامی اصفهان.

۴- خراشادی زاده، سمیه و دیگران (۱۳۹۱)، «نقش ادراک دلبستگی دوران کودکی، کنش‌وری خانواده و سبک‌های اسنادی بر اضطراب اجتماعی»، روانشناسی تحولی (روانشناسان ایرانی)، دوره ۸، شماره ۳۲.

۵- صادقی، راضیه و دیگران (۱۳۹۳)، «رابطه ویژگی‌های شخصیتی با سبک‌های هویت در دانشجویان»، مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی ایلام، دوره ۲۲.

۶- عاشوری، احمد و همکاران (۱۳۹۱)، «نقش جهت‌گیری هدفی پیشرفت و کمروبی در رفتار اجتناب از کمک‌طلبی در دانشجویان»، مجله اصول بهداشت روانی، دوره یازدهم، شماره ۱.

۷- مشهدی، علی و محمدی، محسن (۱۳۸۸)، «مقایسه سبک‌های دلبستگی در نوجوانان عادی و بزهدکار»، مطالعات تربیتی و روانشناسی، دوره ۱۰، شماره ۳.

۸- مومنی، فرزانه و همکاران (۱۳۸۹)، «مقایسه سبک‌های دلبستگی نایمن/اضطرابی، اجتنابی، نایمن اضطرابی/ دوسوگرا و ایمن جوانان دارای نقائص بینایی، شنوایی و جوانان عادی شهر اصفهان»، مجله تحقیقات علوم رفتاری، دوره ۸، شماره ۲.

۹- نادری، سوده و همکاران (۱۳۹۳)، «بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی مادر با سازگاری دانش‌آموزان با توجه به میزان تحصیلات والدین»، شخصیت و تفاوت‌های فردی، دوره ۳، شماره ۵.

۱۰- یاسینی، فرید و همکاران (۱۳۹۲)، «اثربخشی آموزش مهارت‌های اجتماعی بر کمروبی در دانش‌آموزان دختر»، زن و فرهنگ، دوره ۵، شماره ۱۸.

آموزان (نوجوانان) نیازمند کسب اطلاعات کامل بوده و لازم است به سوالات، پاسخ روشن و شفاف داده شود لذا بر تمامی ارگان‌هاست تا با هم همگام شوند.

کمروبی متغیری است که موجبات کناره‌گیری و در صورت حادث شدن اختلال شخصیت اجتنابی و مزمن‌تر از آن را نیز باید انتظار داشت که خفقان استعدادها را نیز در پی خواهد داشت لذا بهتر است در همان مراحل اولیه مورد شناسایی قرار گیرد و دلایل آن مورد بررسی قرار گیرد. از آنجایی که ارتباط سبک دلبستگی و کمروبی مورد تأیید قرار گرفته است، بنابراین لازم است والدین از همان مراحل پیش از تولد فرزندان مورد آموزش قرار گیرند که بر مسئولین است تا توجه ویژه بدان نمایند.

ب) پیشنهاد به پژوهشگران آتی

به پژوهشگران دیگر توصیه می‌شود تا متغیرهای دیگر نظیر تن‌انگاره، خطای شناختی، ترس از رکود و شکست، سبک‌های یادگیری، سلامت روان، خودپنداره، مثبت‌اندیشی و دیگر متغیرها را نیز در مطالعات خود در رابطه با دانش‌آموزان مدنظر قرار دهند. سبک‌های دلبستگی و هویت متغیرهایی هستند که توجه بدان‌ها در تمامی سطوح لازم است. پس پیشنهاد می‌شود بررسی و مطالعه آنها تنها به دانش‌آموزان محدود نشود.

فهرست منابع

فارسی:

- ۱- افروز، غلامعلی (۱۳۹۰) روانشناسی کمروبی و روش‌های درمان آن، چاپ دهم، مشهد: نشر فرهنگ اسلامی.



لاتین:

- 1- Berzonsky M D. (2009). Research Relationship gender believes & Identity Styles with Development in Education in girl and boy students In Tehran Beheshty, *UN*.
- 2- Bamer, R. J. & Bruch, M. A. (2007). *The Role of Shyness and Private Self-Consciousness in*.
- 3- Masen, W. (2007). Studies on Identity Development in Adolescence; An Overview of Research and Some New Data, *Journal of Youth and Adolescence*, Vol. 25.
- 4- Zimbardo, P.G. & Radle, S.L. (2001). The shy child: A parents Guide to preventing and over coming shyness from Infancy to Adulthood. *New york: McGraw-Hill*.

